

حلاج در ترازی نقد

دکتر کاظم محمدی

www.ketab.ir



سرشناسه : محمدی، کاظم - ۱۳۴ -

عنوان و نام پدیدآور : حلاج در ترازوی نقد / کلام محمدی

مشخصات نشر : کرج: نجم کبری، ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری : ۸۹۶ ص؛ ۱۴/۵ ۲۱/۵ س.م.

شابک : ۸۰۰۰۰۰ ریال ۴-۸۷-۲۹۰۵-۱۶۴-۹۶۱

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : کتابنامه: ص [۸۲۱] - ۸۴۶؛ همچنین به صورت زیر نویس.

موضوع : حلاج، حسین بن منصور، ۳۰۹-۲۳۴ق. -- نقد و بررسی

موضوع : حلاج، حسین بن منصور، ۳۰۹-۲۳۴ق. -- سرگذشتنامه

رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۶ ح ۳ م ۲۷۸ BP

رده‌بندی دیویی : ۲۹۷/۸۹۲

شماره کتابشناسی ملی : ۵۰۲۹۷۵۷



نام کتاب : حلاج در تقویر و نقد

نویسنده : دکتر کاظم محمدی

انتشارات : نجم کبری

لیتوگرافی : ناژو

چاپ و صحافی : ناژو

تیراژ : ۱۰۰۰

نوبت چاپ اول : ۱۳۹۷

قیمت : ۸۰۰۰۰ تومان

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۵-۸۷-۴

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۲۵	نگاهی گذرا
۲۵	نام و لقب
۳۰	تولّد
۳۳	پدر و مادر
۳۶	خواهر و برادر
۳۷	کودکی و رشد
۳۹	ازدواج
۴۲	فرزندان
۴۴	سفرها
۴۷	اساتید
۴۷	سهل بن عبدالله تستری

۵۲	عمرو بن عثمان مکی
۵۴	دوستان
۵۵	آثار و نوشته‌ها
۶۱	دو حلاج
۶۵	تبعات قدیم و جدید
۸۳	نزاع بین خطیب بغدادی
۸۵	- معرفی حلاج
۹۳	۱- اختلاف بر سر حلاج
۱۰۲	۳- برپا بجاها
۱۲۱	۴- سخنان ابن باکوی تبریزی
۱۳۰	۵- القاب حلاج
۱۴۸	۶- سبب نام حلاج
۱۵۱	۷- نفس را مشغول کن
۱۵۴	۸- چهار کلمه‌ی بزرگ
۱۵۵	۹- حلاج و ابن عطاء
۱۵۹	۱۰- شراب و آب
۱۶۰	۱۱- جمع و تفرقه
۱۶۴	۱۲- شعری از حلاج
۱۶۶	۱۳- خواستن برای عقاب
۱۶۹	۱۴- ابیاتی دیگر از حلاج
۱۷۰	۱۵- شعری برای قناد
۱۷۱	۱۶- شعری دیگر از حلاج
۱۷۲	۱۷- دوری از حلال

۱۷۶	۱۸- شپش در مرقعه
۱۸۲	۱۹- در ذیل آفتاب سوزان
۱۸۳	۲۰- جلوس بر کوه ابو قییس
۱۸۷	۲۱- مستجاب الدعوه
۱۹۲	۲۲- سفر به هند
۱۹۶	۲۳- سفر برای سحر و جادو
۲۰۰	۱- خنان بی اساس
۲۰۲	۲۵- مخدوم بنان
۲۰۵	۲۶- حلاج مومند
۲۰۶	۲۷- شبلی و حلاج
۲۱۰	۲۸- مموه و ممخری
۲۱۲	۲۹- ادعای گزاف
۲۱۵	۳۰- معارضه با قرآن
۲۲۰	۳۱- ساحر بد اندیش
۲۲۲	۳۲- فریب دادن مردم
۲۲۸	۳۳- ماجرای ماهی
۲۳۷	۳۴- حلاج و ابو سهل نوبخت
۲۴۵	۳۵- ماجرای حلوا
۲۵۰	۳۶- استمرار تردستی
۲۵۱	۳۷- کرامت کرامت شکن
۲۵۳	۳۸- زندقه و فریب مردم
۲۵۸	۳۹- کتابهای حلاج

- ۲۷۱ -۴۰- ابن عطاء و تأیید حلاج
- ۲۷۵ -۴۱- نفرین ابن عطاء
- ۲۸۰ -۴۲- برهان چیست؟
- ۲۸۱ -۴۳- ناسوت و لاهوت
- ۲۹۰ -۴۴- سخن ابن داوود
- ۲۹۲ -۴۵- من حلاج نیستم
- ۲۹۴ -۴۶- صبح آرزوها
- ۲۹۶ -۴۷- هزار رحمت نماز با زنجیر
- ۲۹۹ -۴۸- سکه بزرگ دید
- ۲۹۹ -۴۹- أحد احد
- ۳۰۰ -۵۰- من برمی گردم
- ۳۰۵ -۵۱- حسب الواجد افراد الواحد
- ۳۱۲ -۵۲- آخرین کلام حلاج
- ۳۱۴ -۵۳- بهترین سخن حلاج
- ۳۲۲ -۵۴- افشاء سرّ
- ۳۲۶ یکم: در عرفان و تصوّف سرّی وجود دار
- ۳۲۹ ۱- این که باید به غیب ایمان داشت
- ۳۳۲ ۲- این که غیب در انحصار خداست
- ۳۳۳ ۳- این که وحی الهی و اخبار غیبی به رسولان می رسد
- ۳۳۳ ۴- این که پیامبران نیز از غیب بی خبر هستند
- ۳۳۴ ۵- این که هیچ یک از مخلوقات اعم از جنیان و ...
- ۳۳۵ ۶- این که دانش و اطلاعات فرشتگان نیز محدود است
- ۳۳۵ دوّم: حلاج اسراری را می دانسته است

۳۴۰	سوّم: حلاج اسرار را فاش کرده است
۳۴۲	چهارم: سرّ فاش شده همان انا الحق است
۳۴۴	پنجم: با این سرّ مردن را به خود خوانده است
۳۴۵	ششم: فاش کردن سرّ سبب قتل وی شده است
۳۶۲	۵۵- تفتیش یاران
۳۶۵	۵۶- ابن زنجی
۳۶۶	۵۷- ر علیه حلاج
۳۷۶	۵۸- دبّاس
۳۷۸	۵۹- احمار ساری
۳۷۹	۶۰- سخنان ساری
۳۸۱	۶۱- استشفاء از مدعو
۳۸۶	۶۲- ماجرای حج ساختگی
۳۹۱	۶۳- دستگیری و محاکمه
۳۹۵	۶۴- اجرای حکم
۳۹۹	۶۵- ضرب و قتل حلاج
۴۰۴	۶۶- توهم تشابه
۴۰۹	گزارش سلمی
۴۲۳	گزارش هجویری
۴۳۷	گزارش خواجه عبدالله انصاری
۴۶۵	گزارش شیخ عطار
۵۴۷	سخنان حلاج
۵۷۳	شطح حلاج
۶۰۵	حلاج در معرکه

۶۰۶	۱- خلافت و دربار
۶۱۳	۲- قیام زنگیان
۶۱۶	۳- قرامطه
۶۲۵	۴- اخوان الصفا
۶۳۱	۵- اسماعیلیان
۶۳۹	۶- حول و اتحاد
۶۹۹	دفاع از ابلیس و فرعون
۷۴۶	۱- بلی
۷۵۱	۲- احمد غزنوی
۷۵۹	۳- عین القضاة همای
۷۶۹	۴- حکیم سنایی
۷۷۲	۵- رشیدالدین میبدی
۷۸۲	۶- فریدالدین عطار نیشابوری
۷۹۰	۷- مولانا جلال الدین محمد خراسانی
۸۱۳	نگاه آخر
۸۲۱	کتابنامه
۷۴۷	نمایه

مقدمه

یا رب!

تو مرا به راه خود مه‌لک کن

از هر چه نه تو

به حق خود فاصل کن

از رحمت خود به واصلان راه

هر روز و شبی

برای من حاصل کن

در عرفان و تصوّف اسلامی شخصیت‌های بزرگ و برجسته‌ای وجود دارند که برای بسیاری از ما که مشتاق آشنایی با این بخش از علوم اسلامی هستیم قابل توجّه و گیرا باشد. نامورانی چون: ابراهیم ادهم، فضیل عیاض، رابعه عدویه، بایزید بسطامی، ابوالحسن خرقانی، احمد خسرویه، ابوسعید ابوالخیر، ابوبکر شبلی، جنید بغدادی، ابوسعید خراز، عین القضات همدانی، نجم

الدّین کبری، نجم الدّین رازی، سعدالدّین حموی، شیخ عطار، شیخ روزبهان شیرازی، ابن عربی، مولانا، علاء الدّوله سمنانی و کسانی دیگر که هر کدام از ایشان سجّاده نشین عالم فقر و درویشی بوده و مراحل و منازل از سلوک عرفانی برمدار شریعت و برای یافتن حقیقت و نیز برای تقرّب هر چه بیشتر به خداوند را طی کرده و با ریاضات شاق فراوان توانسته‌اند بر خویشتنِ خویش عاریت و اندازهای بر نفس خود امیر شوند و بر این اساس در دامن سریت و در سیر طریقت به حقیقت برسند و با این کمال دستگیر مسافتان و محتاجان سلوک باشند که در وجودشان میل به کمال و راه یافتن سری حق و حقیقت وجود دارد.

در این بین، از مشاهیر مهم و ابدال توجّه، شخصیت بسیار آشنا و غریب، شناخته و ناشناس، جناب حسین بن منصور حلاج است. فردی که با آمدن و حضور او حجاب بزرگ در عالم تصوّف پدیدار شد و پس از زمان او نیز، همچنان از مهم‌ترین و مشهورترین اشخاص در حوزه فکر و سلوک عرفانی و صوفیانه برای مردم، شناخته‌شده و مورد قبول و استقبال اینان است.

در خصوص این شخصیت بارز کتاب‌های زیادی به زبان‌های گوناگون نوشته‌شده که از قضا برخی هم تحلیلی و مهم هستند و برخی هم ساده و بدون فکر و پژوهش. برخی از مستشرقان نیز در این باره تلاش‌هایی قابل توجّه کرده‌اند مانند پروفیسور لوئی ماسینیون که اخبار و مصائب حلاج را به دقت و وسواس بررسی

و تدوین نموده و از شأن و شخصیت وی تا جایی که مقدور او بوده نکته‌هایی را به نگارش درآورده و دفاع کرده است. در داخل نیز همان‌گونه که بیان داشتیم توجه زیادی به وی صورت گرفته و حد اقل این است که بعد از زمان وی لا اقل نام او و شطح مشهور او در اکثر دیوان‌های شعری اهل ادب و عرفان راه یافته و همین اسباب شهرت فوق‌العاده‌ی او شده است.

حکیم سنایی، شیخ عطار، مولانا جلال‌الدین، سعدی، حافظ، خواجو، رحش جامی، صائب و بسیاری دیگر از بزرگان اندیشه و ادب و عرفان در صوف در ایران و جهان اسلام از او گفته و نوشته‌اند و این اسرار قاص توجه است، و این امتیاز شاید برای بسیاری از دیگر بزرگان، اهرگز وجود نداشته باشد.

در خصوص حسین بن مسعود - لاج‌حوشبختانه منابع صوفیانه و عرفانی از دیرباز تاکنون به شرح ماجرای او پرداخته‌اند، چه با رأی و نظر، چه تنها با ذکر ماقع و قیاس - روایت تاریخی. مهم آن است که از متن و بطن حکایات و روایات گوناگون می‌توان به نکات مهمی از زندگی و اندیشه و سبک و صفات فیانه‌ی او دست یافت و با همین زمینه نیز به بررسی زندگی و آثار او پرداخت و از این باب هم می‌توان وی را در ترازوی نقد قرارداد که: که بود، چه گفت، چه کرد، و چه شد؟

گذشته از آثاری که درباره‌ی او به نگارش درآمده از خود او نیز نوشته‌هایی مستند وجود دارد که می‌توان به آن سند داد و از همان

منظر آراء و اندیشه‌های او را مورد تجزیه و تحلیل قرارداد، و طبیعتاً تمام آن آثار به زبان عربی بوده و این نشان از آن دارد که وی عربی سخن می‌گفته و به عربی هم می‌نوشته است و احتمالاً یا زبان فارسی را بلد نبوده و یا خوب بلد نبوده است، هرچند که در آن دوره ترجیح اهل علم و دانش بر آن بود تا به عربی بنویسند، و باسفاهه صدها اثر ارزنده‌ی ما در علوم و فنون مختلف به زبان عربی نوشته شده است، اعم از حکمت و فلسفه، منطق، نجوم، جغرافیا، تاریخ، آثار ادبی، تفاسیر و احادیث و فقه و عموماً بدون ترجمه رها شده‌اند، هرچند که برخی از بزرگان، خود برخی از رساله‌های خود را به فارسی هم برگردان کرده‌اند تا پارسی‌زبانان هم بتوانند از آن استفاده کنند ولی معلوم است که تعداد آن‌ها چندان زیاد نیست. مثلاً کتاب ارزشمند کیمیای سعادت خلاصه‌ای به زبان پارسی از کتاب مطول و مفصل احیاء علوم الدین امام محمد غزالی است. غیر از غزالی هم کسانی بوده‌اند که رساله‌های عربی خود را به فارسی برگردان کرده و یا در کنار آثار عربی، به نوشتن کتاب‌های فارسی هم توجه و اهتمام نموده‌اند. ولی در مجموع این گونه کتاب‌ها و رساله‌ها را مقایسه با آثار عربی خیلی زیاد نیست.

اکثر آثار فارابی، ابن سینا، غزالی، جنید بغدادی، امام قشیری، سراج طوسی، نجم کبری، مجدالدین بغدادی، سعدالدین حموی، میرداماد، ملاصدرا، حاج ملاهادی سبزواری و دیگران به زبان

عربی است و به ندرت رساله‌هایی به زبان فارسی را می‌توان از ایشان یافت، هر چند که آن آثار نیز باینکه به زبان فارسی نوشته شده در عین حال سرشار از اصطلاحات و واژگان عربی است که چندان با عربی بودن آن تفاوتی ندارد.

حتی در دوره‌ی خودمان هم کسی مانند علامه طباطبایی بیشتر آثار خود را به زبان عربی نوشته است و از همه برجسته‌تر کتاب *المیزان فی تفسیر القرآن* ایشان است، و در حقیقت نوعی بی‌مهری به زبان سیوی، رسی هم در طول این چهارده قرن صورت گرفته است که ناید از آن غفلت نمود. و اگر کسی بر این باشد که زبان فارسی قابلیت حکیم و حکمت و عرفان را ندارد وجود آثار حکمی عرفانی شیخ اشراق، تفسیر عرفانی کشف‌الاسرار و *عده‌الابرار* میبدی، مثنوی مولانا، *حاشیه‌ی حکیم سنایی* می‌تواند خط بطلان بر این باور بکشد. آثار عرفانی منظوم و منثور ادیبان و عارفان بزرگ این مرزوبوم که به زبان فارسی هم اهتمام و عنایت داشته‌اند دلیلی متقن بر نفی آن رأی باطل می‌تواند باشد.

باری، باین همه، آثار بسیاری دیگر از بزرگان دیگر اندیشه همچنان به زبان عربی باقی مانده، هر چند که برخلاف آن‌ها برگردان شده ولی کسانی که آن را برگردان کرده‌اند در برخی موارد چنان غیرعلمی و سخت ترجمه کرده‌اند که ترجیح همان است که آن آثار را به همان زبان اصلی که عربی بوده مورد مطالعه قرار دهیم.